



خلاصه کتاب ۷ راهبرد ثروت و خوشبختی

کتاب «۷ راهبرد برای ثروت و خوشبختی» رویکردی الهام‌بخش برای توسعه تمام پتانسیل‌های شما از طریق نظم و عمل را ارائه می‌کند. این کتاب به‌جای ارائه طرح‌های یک‌شبه ثروتمند شدن، به ما یادآوری می‌کند که موفقیت نتیجه مستقیم تلاش‌های خودمان برای بهتر کردن خودمان است. مهم‌تر از آن، این کتاب نشان می‌دهد که یک سبک زندگی رضایت‌بخش، تنها درباره ثروت نیست؛ بلکه در مورد خلاص شدن از شیوه‌های قدیمی تفکر و اتخاذ یک ذهنیت مثبت است.

این کتاب چه فایده‌ای برای من دارد؟

سفرتان به سوی موفقیت را با توصیه‌هایی از یک میلیونر خودساخته آغاز کنید. آیا اغلب خود را گرفتار مشکلات مالی می‌یابید؟ آیا احساس می‌کنید که موفقیت، امری دست‌نیافتنی است و تنها در رویاهایتان وجود دارد؟ اگر چنین است، بدانید که تنها نیستید.

نویسنده، جیم ران، وقتی که از دانشگاه انصراف داد و به‌عنوان مدیر منابع انسانی شروع به کارکرد، خودش همین احساس را داشت. او شش سال سخت‌کار کرد؛ اما همچنان در همان موقعیت، با همان حقوق ثابت مانده بود.

باین‌حال، وقتی که با مربی خود، ارل شواف، آشنا شد همه چیز تغییر کرد. او تحت هدایت شواف، راهبردهای موثری برای ساختن ثروت از طریق نظم و تلاش متمرکز آموخت. با اجرایی کردن آنها، او در سن ۳۱ سالگی میلیونر شد.

درحالی‌که ثروت و موفقیت می‌تواند برای افراد مختلف معانی متفاوتی داشته باشد، پیروی از هفت راهبردی که در این خلاصه کتاب آمده است می‌تواند به شما در دستیابی به هر هدف مالی کمک کند؛ چه این هدف میلیونر شدن باشد یا رهایی از بدهی. پس بیایید شروع کنیم.

تعیین اهداف روشن به شما کمک می‌کند خود را منضبط کرده و ساختاری برای خود ایجاد کنید

به آخرین باری که یکی از اهداف خود را تکمیل کردید یا یک مورد را از لیست کارهایتان خط زدید فکر کنید. پس از آن چه اتفاقی افتاد؟ ناگزیر، کار دیگری ظاهر شد تا جای آن را بگیرد. درحالی‌که این موضوع ممکن است ناامیدکننده به نظر برسد، در نهایت چیز خوبی است. شما نمی‌خواهید هر بار فقط یک هدف داشته باشید؛ زیرا پس از رسیدن به آن، ممکن است سردرگم و بی‌هدف بمانید.

فضانوردان آپولو را پس از بازگشت از سفر زندگی‌سازشان به ماه در نظر بگیرید. متأسفانه، چندین نفر از فضانوردان دچار افسردگی شدند؛ زیرا دیگر چیزی برای تلاش کردن نداشتند. امروزه به‌عنوان بخشی از آموزش‌های اجباری خود، فضانوردان اهدافی را ایجاد می‌کنند تا پس از پایان مأموریت‌هایشان برای آنها تلاش کنند.

شما نیز باید هدف داشته باشید. برای شروع، مهم است که زمانی را برای کار روی آنها اختصاص دهید. تمرین دفترچه‌نویسی زیر را امتحان کنید تا به شما کمک کند

اهداف بلندمدت خود را تجسم نمایید و در مورد چگونگی دستیابی به آنها فکر کنید. یک دفتر یادداشت بردارید و به آنچه می‌خواهید در یک تا ده سال آینده به دست آورید فکر کنید. سپس لیستی از آن اهداف را در اسرع وقت بنویسید. در مجموع حدود ۵۰ هدف را مدنظر داشته باشید.

پس از تکمیل لیست، هر هدف را بر اساس اینکه چقدر طول می‌کشد تا انجام شود، به یکی از چهار دسته اختصاص دهید: یک، سه، پنج یا ده سال.

در مرحله بعد، لیست خود را متعادل کنید تا اهداف زیادی در هیچ یک از دسته‌ها نداشته باشید. مواردی را از دسته‌هایی که اهداف زیادی دارند حذف کنید و اهداف جدیدی را به دسته‌هایی که تعداد بسیار کمی دارند اضافه کنید.

سپس از هر دسته، دور چهار هدف مهم دایره بکشید. اکنون باید در مجموع، لیستی از ۱۶ هدف داشته باشید.

در نهایت، در مورد هر هدف یک پاراگراف بنویسید. در نیمه اول هر پاراگراف، دقیقاً توضیح دهید که هدف چیست. برای مثال اگر قصد خرید محصولی را دارید، مدل، رنگ، هزینه و سایر جزئیات مهم را یادداشت کنید. سپس در نیمه دوم پاراگراف بنویسید چرا می‌خواهید به هر هدف برسید. اگر نمی‌توانید دلیل به اندازه کافی قوی پیدا کنید، ممکن است ارزش وقت گذاشتن بر روی آن هدف خاص را نداشته باشد. در این صورت، جایگزین کردن آن با یک هدف متفاوت را در نظر بگیرید.

پس از اینکه فهرستی آماده کردید، می‌توانید برای بررسی پیشرفت خود و مرور اینکه کدام اهداف هنوز برای شما مهم هستند و کدام‌ها نیستند به آن مراجعه کنید.

آموزش به رهبری خود، کلید ثروت و توسعه شخصی است

در بیشتر زمینه‌ها، مردم بدون سال‌ها مطالعه و تمرین انتظار موفقیت ندارند. پزشکی را در نظر بگیرید. هیچکس بدون اینکه ابتدا سال‌ها قلب انسان را مطالعه کند، اقدام

به عمل جراحی «بای پس سه گانه» نمی‌کند. پس چگونه کسی می‌تواند بدون اینکه هرگز مدیریت مالی یا نحوه اداره یک کسب‌وکار را مطالعه کند، انتظار داشته باشد ثروتمند و موفق شود؟

خوشبختانه، برای یادگیری چگونگی افزایش ثروت خود مجبور نیستید زمان و هزینه خود را در دانشگاه صرف کنید. در عوض، می‌توانید این کار را از طریق یادگیری به رهبری خود انجام دهید.

یکی از راه‌های شروع این است که از تجربیات زندگی روزمره خود درس بگیرید. برای انجام این کار، در پایان هر روز زمانی را برای خوداندیشی اختصاص دهید. سعی کنید هر رویداد مهمی که رخ داده است تا حد امکان با جزئیات به‌خاطر بسپارید. به‌طور خاص، سعی کنید هر کار به‌خصوصی که خوب یا بد انجام داده‌اید، شناسایی کنید. این موضوع به شما می‌گوید که در آینده چه چیزی را تکرار کنید و از چه چیزی اجتناب نمایید.

راهی دیگر برای استفاده از آموزش به رهبری خود به‌منظور شناسایی راهبردهای موفقیت، استفاده از دانش به دست آمده از کتاب‌ها، ویدیوها و فایل‌های صوتی است. به‌طور خاص، به دنبال زندگی‌نامه افراد موفق و کتاب‌های مرجع مانند «بیندیشید و ثروتمند شوید، اثر ناپلئون هیل» باشید.

در حین خواندن توصیه‌های افراد موفق، حتما سوالاتی خواهید داشت. پس چرا آن سوالات را از کسی که می‌تواند پاسخ‌های خوبی به شما بدهد نمی‌پرسید؟ یک راه غیرمعمول برای انجام این کار وجود دارد: فردی را پیدا کنید که ثروتمند و موفق می‌دانید و او را به شام دعوت کنید. بله، یعنی باید شما صورت حساب را بپردازید که ممکن است گران باشد؛ اما اگر زمان خود را به‌طور موثر صرف کنید و در مورد راهبردهایی برای افزایش درآمد، سوال بپرسید ارزش هزینه‌اش را دارد.

هر چه بیشتر در حضور افراد موفق وقت بگذرانید، بهتر است؛ بنابراین سعی کنید در سخنرانی‌ها یا سمینارها شرکت کنید تا رفتار افرادی که تحسین می‌کنید مشاهده نمایید. به حرکات کوچک، مانند نحوه دست دادن یک تاجر، بسیار توجه کنید. اگر

می‌توانید عادت‌های مشترک افراد موفق را شناسایی کنید، می‌توانید از آن‌ها در زندگی خود استفاده نمایید.

هر روشی را که برای جمع‌آوری دانش انتخاب می‌کنید، ارزش سرمایه‌گذاری کمی زمان و پول را دارد. حداقل ۳۰ دقیقه در روز برای یادگیری و هر ماه بخش کوچکی از درآمد خود را به آن اختصاص دهید. چرا؟ زیرا می‌توانید دانش انباشته شده را در آینده خود سرمایه‌گذاری کنید و چند دلار اینجا و آنجا به‌زودی شروع به جمع شدن می‌کند.

موانع پیشرفت شخصی خود را از بین ببرید و ارزش خود را افزایش دهید

چند بار به خود گفته‌اید: «غیرممکن است که من به‌موقع حاضر شوم؛ من همین‌جوری هستم» یا «نمی‌توانم جلوی نامرتب بودنم را بگیرم».

این‌گونه جملات هرچند رایج هستند؛ اما به عزت‌نفس ما آسیب می‌زنند و باعث می‌شوند احساس کنیم قادر به غلبه بر تمایلات طبیعی خود نیستیم. اما در واقع، خودتان یکی از معدود مواردی است که می‌توانید تغییر دهید و با بهبود خود، ارزش خود را به‌عنوان یک کارمند، دوست یا همسر افزایش می‌دهید.

متأسفانه، بسیاری از افراد به دنبال راه‌هایی برای بهبود شرایط خود هستند، درحالی‌که از وظیفه بهتر کردن خود اجتناب می‌کنند. به‌عنوان مثال، برای افزایش حقوق، ممکن است با رئیس خود مذاکره کنید یا حتی اعتصاب نمایید. اما در نهایت، این روش‌ها فقط می‌توانند شما را تا حدی پیش ببرند و به‌زودی برای افزایش مجدد حقوق بی‌قرار خواهید شد. چه می‌شود اگر به‌جای آن، ارزش خود را برای شرکت از طریق بهره‌وری بالاتر، عملکرد بهتر و مهارت‌های جدید افزایش دهید؟ این موضوع باعث می‌شود که رئیس شما بخواهد حقوق شما را افزایش دهد. حتی بهتر از آن، مهارت‌هایی که در این فرایند به دست می‌آورید، ممکن است بسیار فراتر از شغل فعلی شما ارزشمند باشند.

برای شروع افزایش ارزش خود، ابتدا باید روی از بین بردن موانع پیشرفت شخصی خود کار کنید.

یکی از مضرترین موانع، تعلل است. بالاخره خودسازی به معنای تعیین و دستیابی به اهداف برای خود است؛ اما به تعویق انداختن سخت‌ترین جنبه‌های کار برای رسیدن به آن اهداف تا آینده‌ای دور، بسیار آسان است و از آنجایی که کارهایی که به تعویق می‌اندازید روی هم انباشته می‌شوند، طولی نمی‌کشد که از برنامه‌های خود عقب بیفتید.

دو مانع دیگر برای خودسازی، سرزنش دیگران و بهانه‌تراشی است. وقتی مشکلی پیش می‌آید، خیلی راحت‌تر است که انگشت اتهام را به سمت دیگری نشان بدهید تا اینکه بپذیرید مشکلی در شما نهفته است. وقتی این کار را می‌کنید، مانع پیشرفت خود می‌شوید. در نهایت، اگر شکست‌هایی که تجربه می‌کنید واقعا تقصیر شما نیستند، دلیلی برای مسئولیت‌پذیری و اطمینان از اینکه دوباره اتفاق نمی‌افتند، ندارید.

در حین کار بر روی بهبود خود، به یاد داشته باشید که اغلب بهتر است این کار را به صورت گام‌های کوچک انجام دهید. به عنوان مثال، فرض کنید می‌خواهید وقت‌شناس‌تر باشید، سعی کنید هر روز زنگ ساعت خود را چند دقیقه زودتر تنظیم کنید. به زودی، وقت کافی برای یک صبحانه بی‌دغدغه خواهید داشت، بدون اینکه نیاز باشد با عجله از در بیرون بزنید.

سعی کنید چالش‌های کوچک را در هر زمینه‌ای که می‌خواهید پیشرفت کنید بپذیرید. موفقیت‌های شما باعث می‌شود که حتی بیشتر تلاش کنید و بر موانع بزرگ‌تر غلبه نمایید.

با تغییر نگرش خود نسبت به مالیات‌ها و اتخاذ قانون ۷۰/۳۰، هم شادتر و هم ثروتمندتر خواهید شد

برای اکثر مردم، کلمه «مالیات» مجموعه‌ای طوفانی از تصاویر وحشتناک را تداعی می‌کند: فرم‌های بی‌پایان، محاسبات هزینه‌ها و کسورات و بخش‌هایی از درآمدتان که ناگهان ناپدید می‌شود. بدتر از آن، مالیات‌ها اغلب مانند یک بی‌عدالتی به نظر می‌رسند. ممکن است این سوال برایتان پیش بیاید که «چرا من نباید بتوانم تمام پولی که با سخت‌کوشی به دست آورده‌ام، نگه دارم؟»

نویسنده نیز در ابتدای مسیر کاری‌اش این سوال را از خود می‌پرسید. با این حال، مربی او، ارل شواف، از او خواست تا به یک مالیات‌پرداز شاد تبدیل شود. چرا؟ زیرا او استدلال می‌کرد که نگرش شما نسبت به پول به اندازه نحوه خرج کردن آن مهم است. چشم‌انداز مثبت‌تر می‌تواند به شما کمک کند تا کمتر احساس سرخوردگی و ناامیدی کنید و بیشتر بر امور مالی خود کنترل داشته باشید. بنابراین نیازی به نفرین کردن دولت برای دزدیدن پول خود نخواهید داشت.

برای ورود به این طرز فکر، پرداخت مالیات را به عنوان راهی برای مشارکت در جامعه و کمک به دولت برای بهبود زندگی همه در نظر بگیرید. در ازای بخشی از درآمد خود، به شما امنیت، آزادی و فرصت داده می‌شود.

آماده‌اید این تغییر نگرش را یک گام دیگر هم جلو ببرید؟ سعی کنید به جنبه روشن همه مخارج خود نگاه کنید. برای مثال، هرگاه مجبور به خرید چیزی هستید، پول خود را به گردش درمی‌آورید و به اقتصاد کمک می‌کنید و هر زمان که صورت‌حساب‌های خود را پرداخت می‌کنید، بدهی و تعهدات خود را کاهش می‌دهید.

وقتی احساس بهتری در مورد پرداخت مالیات خود پیدا کردید، وقت آن است که به درآمد خالص خود نگاهی بیندازید. در اینجا، باید قانون ۷۰/۳۰ را اتخاذ کنید.

این مفهوم ساده است. شما می‌توانید ۷۰ درصد از درآمد ماهانه خود را صرف نیازها و خواسته‌هایی مانند اجاره، غذا و تفریح کنید؛ اما قبل از اینکه هر مبلغی از آن پول را

خرج کنید، ۳۰ درصد باقی‌مانده را به صورت زیر تقسیم نمایید:

ابتدا ۱۰ درصد از درآمد خود را برای بازگرداندن آن به جامعه و کمک به نیازمندان خیریه کنید. سپس ۱۰ درصد دیگر را پس‌انداز کنید تا بتوانید در طول سال‌ها ثروت جمع کنید.

در نهایت ۱۰ درصد آخر را برای ایجاد ثروت سرمایه‌گذاری کنید. روش‌های سنتی برای انجام این کار وجود دارد، مانند سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات؛ اما رویکردهای غیرسنتی نیز وجود دارد، مانند کسب درآمد از یکی از سرگرمی‌هایتان.

با اتخاذ قانون ۷۰/۳۰ و تغییر موضع به سمت نگرشی مثبت‌تر، دیگر لازم نیست برای جدا شدن از پول به دست آورده‌تان بترسید.

با برنامه‌ریزی دقیق، زمان خود را به شکلی خردمندانه اختصاص دهید

رویکرد شما برای ایجاد تعادل بین کار و زندگی چیست؟ آیا شما رها از این قیدوبند هستید، کسی که در برابر هرگونه محدودیت زمانی مقاومت می‌کند و فقط حاضر به انجام کارهای موقت است؟ یا شما یک فرد معتاد به کار هستید که هر لحظه بیداری خود را به حرفه خود اختصاص می‌دهید؟ شاید هم بینابین باشید، از ۹ صبح تا ۵ بعدازظهر کار می‌کنید؛ اما حاضر نیستید پروژه‌هایی را بر عهده بگیرید که تعهد زمانی بیشتری دارند.

همان‌طور که ممکن است حدس زده باشید، هیچ یک از این رویکردها ایده‌آل نیستند. شما مجبور نیستید بین موفقیت با حجم کاری زیاد یا سطح متوسط با زمان کافی برای استراحت، یکی را انتخاب کنید. در واقع، شما باید برای هر جنبه از زندگی خود وقت بگذارید. سخت کار کردن، گذراندن وقت با خانواده و حتی هیچ کاری نکردن. هنگامی که زمان زیادی را به یکی از این حوزه‌ها اختصاص می‌دهید، سبک زندگی شما نامتعادل می‌شود که در درازمدت ناپایدار است.

یک فروشنده را در نظر بگیرید که تصمیم می‌گیرد کسب‌وکار خود را راه‌اندازی کند. او ایده خود را عملی می‌کند، اما خیلی زود متوجه می‌شود که به‌عنوان یک مدیرعامل زمان بسیار بیشتری را نسبت به زمانی که به‌عنوان کارمند کار می‌کرد، در دفتر می‌گذراند. او زودتر به محل کار می‌رسد و دیرتر از سرایدار هم شرکت را ترک می‌کند. به‌زودی، او تصمیم می‌گیرد که اداره شرکت خودش ارزشش را ندارد و به یک شغل معمولی برمی‌گردد.

پس چگونه مطمئن می‌شوید که زمانتان متعادل باقی می‌ماند و به‌طور موثر استفاده می‌شود؟ سازماندهی شده بودن و سازماندهی شده ماندن کلیدی است. با ایجاد یک دفترچه پروژه یا یک زونکن همراه با برگه‌های جداکننده شروع کنید. این ابزار دستی به شما این امکان را می‌دهد که همه اطلاعات مهم را در یک مکان ذخیره کنید، بنابراین ساعت‌ها به دنبال سندی که نیاز دارید هدر نخواهید داد.

می‌توانید از دفترچه پروژه خود به هر نحوی که برایتان بهتر است استفاده کنید. به‌عنوان مثال، اگر با افراد کار می‌کنید، می‌توانید برای هر شخص یک قسمت درست کنید و اطلاعاتی در مورد عملکرد، نقاط قوت و ضعف یا سابقه خانوادگی آنها یادداشت کنید. سپس در هر زمانی که نیاز داشتید، مثلاً هنگام بررسی عملکرد، می‌توانید به آن مراجعه کنید.

یکی دیگر از راهبردهای ضروری مدیریت زمان، برنامه‌ریزی برای هر روز قبل از شروع آن است. اگر برنامه اصلی برای انجام دادن نداشته باشید، چگونه اطمینان حاصل خواهید کرد که زمان شما متعادل است و در مسیر انجام به‌موقع کارهایتان در موعد مقرر هستید؟ به همین دلیل است که شما به یک تقویم با فضای زیادی برای نوشتن برنامه خود برای هر روز هفته نیاز دارید. مطمئن شوید که هر روز جایی برای زمان «هیچ کاری نکردن» هم در نظر می‌گیرید!

سازماندهی شدن و پایبند ماندن به یک برنامه هر روز، به‌ویژه اگر به سبک مدیریت زمان راحت‌تری عادت دارید، به نظم قابل‌توجهی نیاز دارد. اما اگر تلاش کنید، خواهید دید که مجبور نیستید هیچ جنبه‌ای از زندگی خود را به نفع جنبه دیگر قربانی

کنید.

حتما زمانتان را با افراد مناسب سپری کنید

باید بپذیریم دوستان ما تمایل دارند بر ما تاثیر بگذارند، چه متوجه آن شویم یا نه. برای مثال، اگر با افرادی که در مورد پول خود بی‌دقت هستند رفت‌وآمد داشته باشید، ممکن است خودتان نیز هزینه‌های بیهوده کنید. یا اگر دوستانتان هر آخر هفته برای دیدن مسابقات ورزشی بیرون می‌روند، احتمالاً شما هم همراه آنها خواهید بود.

ممکن است این سناریوها چندان بد به نظر نرسند، اما اگر عادات دوستانتان مخرب‌تر از این‌ها باشند چه؟ در این صورت، ممکن است در نهایت عادات مشابه مضر را در خود ایجاد کنید. برای مثال، اگر خود را با دروغگوها و متقلبان احاطه کنید، ممکن است شروع به دیدن رفتارهای آنها به‌عنوان یک هنجار نمایید و پیش از آنکه متوجه شوید، ممکن است خودتان هم دروغ بگویید و متقلب شوید.

اعتراف به اینکه دوستان ما می‌توانند تاثیرات بدی داشته باشند سخت است؛ اما اگر با خودتان صادق باشید، می‌توانید به این روابط رسیدگی کنید قبل از اینکه هر گونه آسیب جدی وارد کنند.

با فکر کردن در مورد روابط اصلی زندگی خود شروع کنید و چند سوال اساسی از خود بپرسید: وقت خود را با چه کسانی می‌گذرانید؟ آنها چه بر سر شما می‌آورند؟ آیا این روابط برای شما مناسب هستند؟ صادق باشید و تاثیر قدرتمندی که دوستان و آشنایانتان ممکن است بر شما داشته باشند را نادیده نگیرید.

اگر به این سوالات پاسخ داده‌اید و برخی روابط نه‌چندان عالی را در زندگی خود شناسایی کرده‌اید، باید در مورد نحوه ادامه کار، چند تصمیم سخت بگیرید.

اگر با افراد مخرب سروکار دارید، یک گزینه این است که کاملاً ارتباط خود را قطع کنید یا، اگر این کار غیرممکن است، ارتباط محدود را امتحان کنید و تا حد امکان زمان کمی

را با آنها بگذرانید. درحالی که این کار را انجام می‌دهید، باید مطمئن شوید که زمان زیادی را صرف روابط معمولی نمی‌کنید که چیز با ارزشی به زندگی شما اضافه نمی‌کنند. به‌عنوان مثال، درحالی که ممکن است از گذراندن چند شب در هفته در کافه با دوستان لذت ببرید، این عادت وقت شما را هدر می‌دهد.

پس از اینکه روابط منفی را از زندگی خود حذف کردید، گام بعدی این است که از روابط مثبت بیشترین استفاده را ببرید. اینجا، شما تمایل به ارتباط گسترده دارید که به معنای گذراندن زمان بیشتر با افرادی است که منظم و مصمم به موفقیت هستند. هر کسی که طرز فکرش بر شما تاثیر مثبت بگذارد.

بهترین راه برای گسترش دایره ارتباطات، مشارکت در امور جامعه است. به‌عنوان مثال به یک گروه بپیوندید و ممکن است از شما دعوت شود تا با برخی افراد تاثیرگذار در شهر خود تنیس بازی کنید.

بیاموزید که چگونه صرف نظر از موجودی حساب بانکی خود راضی باشید

ما اغلب داستان‌هایی از افراد فوق ثروتمند مشهور و صاحبان کسب‌وکار می‌شنویم که علی‌رغم ثروتشان عمیقاً ناراضی هستند. چگونه ممکن است وقتی به اوج موفقیت رسیده‌اند؟ متأسفانه، اگرچه این افراد ثروت هنگفتی به دست آورده‌اند، اما احتمالاً هرگز نیاموخته‌اند که چگونه از آنچه دارند راضی باشند.

درحالی که بسیاری از مردم با این ضرب‌المثل موافق هستند که «پول خوشبختی نمی‌آورد»، باز هم تصور می‌کنند که پول بیشتر، آنها را با اعتماد به نفس‌تر، کاریزماتیک‌تر و بخشنده‌تر خواهد کرد. اما در واقعیت، پول نه شخصیت شما را تغییر می‌دهد و نه رضایتتان را از زندگی. اگر اکنون ناراضی و ناامن هستید، به احتمال زیاد این ویژگی‌ها با ثروتمند شدن از بین نخواهند رفت.

خوشبختانه، این نظریه یک جنبه مثبت دارد. اگر همین حالا یک سبک زندگی

رضایت‌بخش را برای خود ایجاد کنید، صرف‌نظر از موجودی حساب بانکی، این سبک زندگی برای همیشه با شما خواهد بود و یک راه قدرتمند برای افزایش احساس رضایتمندی، تغییر به طرز فکر دو سکه‌ای است.

برای توضیح این طرز فکر، مربی نویسنده یک‌بار به او گفت که تصور کند کفش‌هایش را واکس می‌زنند. شخصی که واکس می‌زند کار بسیار خوبی انجام داده و اکنون شما باید تصمیم بگیرید که چقدر به او انعام بدهید: یک سکه یا دو سکه. در دراز مدت کدام یک باعث می‌شود احساس بهتری داشته باشید؟

اگر از یک سکه برای انعام استفاده کنید، در هزینه صرفه‌جویی خواهید کرد، اما احتمالاً بعد از آن احساس می‌کنید که کمی خسیس هستید. با این حال، با سخاوتمند بودن و انعام دادن دو سکه، احساس مرفه و اعتمادبه‌نفس خواهید داشت.

مردی که در یکی از سمینارهای نویسنده شرکت کرده بود، از ایده انتخاب سخاوت به جای خسیس بودن الهام گرفت. در گذشته، هر وقت دخترانش به او التماس می‌کردند که برای خرید بلیط کنسرت به آنها پول بدهد، یا می‌گفت نه یا با اکراه بسیار، پول را می‌داد. او در طرز فکر یک سکه‌ای گیر کرده بود. با این حال، پس از سمینار، تصمیم گرفت دخترانش را با بلیط‌های گروه مورد علاقه‌شان غافلگیر کند. این تصمیم سخاوتمندانه دو سکه‌ای در نهایت هم به نفع دختران بود و هم پدرشان بود که با دیدن شادی و هیجان فرزندانش پاداش گرفت.

بنابراین، یک طرز فکر دو سکه‌ای اتخاذ کنید و بدون اینکه لزوماً ثروتمند باشید، می‌توانید احساس ثروتمندی داشته باشید و اگر تصمیم دارید همین حالا سخاوتمندتر باشید، فقط به تمام کارهای خوبی فکر کنید که وقتی ثروتمندتر و موفق‌تر شدید می‌توانید انجام دهید.

ثروت و خوشبختی از هیچ‌جا ظاهر نمی‌شوند. به دست آوردن آنها نیازمند نظم و انضباط و برنامه‌ریزی دقیق است. با این حال، هنگامی که تلاش لازم برای شروع دستیابی به اهداف خود را انجام دادید، تا آخر عمر از پاداش آنها بهره‌مند خواهید شد.

["message_box text_color="light]

توصیه‌های کاربردی

یک برنامه عملیاتی ایجاد کنید. برای استفاده موثر از زمان خود و پیشبرد اهداف خود در هر هفته، از قبل یک برنامه عملیاتی تهیه کنید. ابتدا یک برگ کاغذ چهارخانه پیدا کنید. ستون‌های عمودی با روزهایی که برنامه‌تان قرار است پوشش دهد ایجاد کنید، سپس یک عنوان در سمت چپ با نام «فعالیت‌ها» بسازید. تمام کارهایی را که باید در آن روزها انجام دهید فهرست کنید. برای هر کار ضرب‌الاجل را تعیین کنید و آن را در صفحه ثبت نمایید. سپس محاسبه کنید که انجام آن کار چند روز طول می‌کشد و آن روزها را مشخص کنید. برنامه عملیاتی شما آماده خواهد بود و مسیر دستیابی به موفقیتتان فقط به پایبند به آن بستگی دارد.

[message_box/]

درباره نویسنده

جیم ران یک کارآفرین، سخنران انگیزشی، مدرس و نویسنده بود. پس از دستیابی به موفقیت در صنعت فروش مستقیم، شروع به برگزاری سمینارها و کارگاه‌های توسعه فردی در سرتاسر آمریکا و جهان کرد. او نویسنده کتاب‌های مختلف خودیاری از جمله «قدرت دستاورد» و «هنر زندگی استثنایی» بود.